

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۰۰۷/۱۰/۲۲

شهره شهر غرور

شکوه ای دارم کمکی ، از نمک
ای محک معرفت آدمک
داکترو، استاد و ، ادیب و فقیه
باجبای و شرفا ، همدک
از حق هر بیوه زن و هر یتیم
مصرف بسیار به تو ، نه کمک
عاقبت از خون دل ، هموطن
علم به تقدیر تو زد ، خاتمک
تا که شناسا شدی ، ای ناشناس
در همه جا اکرمک و افخمک
فطرت شایسته صادق ، چه شد
دیده فرهنگ و ادب نم نمک
حال که تو شهره شهر غرور
فخر فروشی به همه چم چمک
سربه گریبان ، صداقت نما
نزد ادیبان ، نشوی سرخمک
پرس ز وجدان نجیب و شریف
بهر چه ، بر هموطنان استمک

حیف که ناگه صدفی ، شد خزف
مورکِ بیچاره نگر ، اَرْقَمک
زهر سیاست چکد ، از نیش تو
شادیِ فرهنگ ، چرا ماتَمک
وای چه خوش سفته خدای سخن
گوش کن از جان و دلت ، یکدمک
"هرچه بگندد ، نمکش می زنند
وای ز روزی که بگندد نَمک"
حال بیا توبه کن و عُذر خواه
تابه وطندار ، شوی مَحَرَمک
ورنه شریفان و نجیبان ما
نصب به بام تو کنند پَرچَمک
تا تو بدانی که یکی قرص نان
چند فطیر میشود ای نیرَمک
"نعمت" اگر تلخک و تندک نوشت
از غم شوری تو شد ، بی عَمک